

نگاه

«شازده کوچولو ۲» و سینمایی که موشک را به نماد امید تبدیل می‌کند

ایسنا: یک کارگردان از ساخت فیلم کوتاهی با موضوع موشک‌های ایرانی در عملیات «وعده صادق ۳» خبر داد و گفت: در حال نوشتن فیلم‌نامه «شازده کوچولو ۲» با یک داستان جذاب دیگر با محوریت موشک‌های ایرانی هستیم که امیدوارم تا چند ماه آینده وارد مرحله تولید شویم.
عمار خطی، تهیه‌کننده و کارگردان فیلم کوتاه «شازده کوچولو» در گفت‌وگو با ایسنا از ایده‌پردازی این اثر و ارتباط آن با عملیات «وعده صادق ۱» سخن گفت. خطی در مورد داستان فیلم کوتاه «شازده کوچولو» اظهار کرد: داستان این فیلم کوتاه در اصل الهام‌گیری از موشک‌های ایرانی است که شبیه ستاره‌های دنباله‌دار در آسمان هستند. در واقع ایده این فیلم از نگاه یک دختر فلسطینی شکل گرفت که آرزوی دیدن ستاره دنباله‌دار را دارد تا ساده‌ترین خواسته‌اش را به آن بگوید. او ادامه داد: کودکان فلسطینی تنها آرزویی که داشتند این بود که وقتی مادرشان آنها را پس از بازی برای بازگشت به خانه صدا می‌زند، بگویند چند دقیقه دیگر می‌آیم. این آرزویی است که بسیاری از کودکان فلسطینی دارند. کارگردان «شازده کوچولو» افزود: در فیلم، این آرزوی دخترک با موشک‌باران شبانه در عملیات «وعده صادق ۱» تلاقی می‌کند و دخترک، موشک‌ها را به جای ستاره‌های دنباله‌دار می‌بیند. امروز این موشک‌ها برای کودکان فلسطینی، نماد برآورده‌شدن آرزوها شده‌اند.

فضای روایی در میان جنگ

خطی به شخصیت‌پردازی فیلم اشاره کرد و توضیح داد: دختربچه فیلم هر شب به آسمان نگاه می‌کند تا شاید ستاره دنباله‌داری ببیند. پدربزرگش برای او دنیای از رؤیاهای ساخته تا متوجه خشونت‌های بیرون نشود. حتی صدای انفجارها را به عنوان «افتادن خانه آرزوها در سیاهچاله» تفسیر می‌کند. اما با دیدن موشک‌های ایرانی، آرزویش محقق می‌شود. این کارگردان درباره نمایش فیلم گفت: این اثر در پلتفرم‌های مختلفی مانند فیلیمو، فیلم‌نت و شبکه‌های تلویزیونی و تلویون بارها پخش شده و امروز هم در دسترس عموم مردم است و می‌تواند به راحتی ببیند. او در مورد وضعیت امروز کشور نیز خاطر‌نشان کرد: به نظر من، امروز باید به جای تمرکز صرف بر رنج مردم غزه، به قدرت ایران و تأثیر آن در منطقه پرداخت. این زیاترین موضوعی است که می‌توان درباره آن کار کرد.

«شازده کوچولو ۲» با محوریت قدرت موشکی ایران

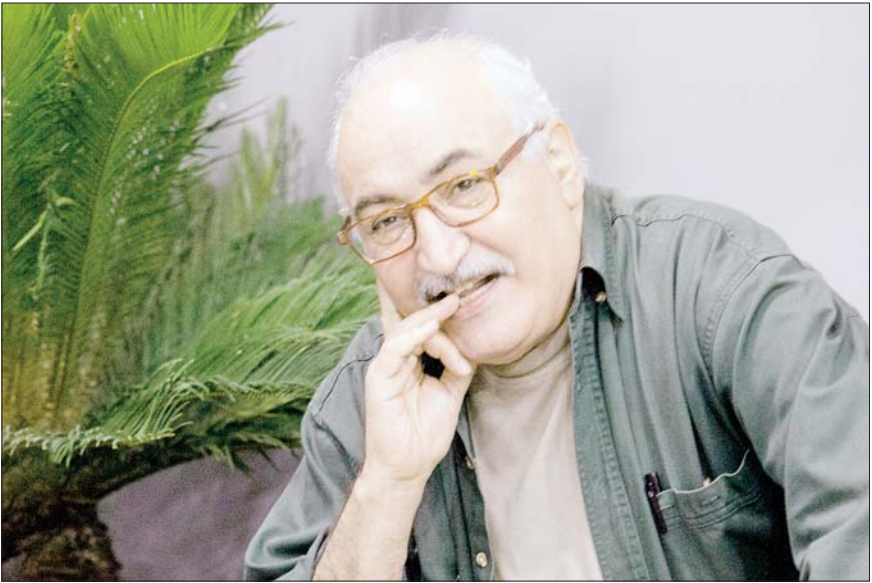
خطی از تولید «شازده کوچولو ۲» خبر داد و گفت: در حال نوشتن فیلم‌نامه «شازده کوچولو ۲» با یک داستان جذاب دیگر با محوریت موشک‌های ایرانی هستیم. اما فعلا نمی‌خواهم وارد جزئیات آن بشوم. امیدوارم تا چند ماه آینده وارد مرحله تولید شویم. وی بر اهمیت رسانه در جنگ ایران و اسرائیل تأکید کرد و گفت: اسرائیل به‌خاطر شکست در میدان جنگ، تمام تلاش خود را به نبرد رسانه‌ای منتقل کرده است. این نشان می‌دهد که رسانه و هنر همچنان تعیین‌کننده هستند. ما باید با تولید محتوای تأثیرگذار، روایت‌های خود را به جهان عرضه کنیم. خطی افزود: حتی با محدودیت‌های امنیتی و اینترنتی، هنرمندان و فعالان هوش مصنوعی می‌توانند با ساخت کلیپ‌های کوتاه و جذاب، نقش مهمی در این نبرد ایفا کنند. امروز دنیا به محتوای ۳۰ ثانیه‌ای عکس‌العمل نشان می‌دهد، پس باید از این ظرفیت استفاده کنیم. این کارگردان معتقد است باید روایت‌های قدرت و اقتدار ایران را به تصویر کشید تا جهان متوجه حقیقت شود زیرا دیگر نیاز به تلاش برای اثبات جنایت رژیم صهیونیستی در منطقه نیست، چون دنیا اکنون این واقعیت‌ها را فهمیده است. او بر اهمیت روایت‌سازی و تولید فیلم‌های مستند و داستانی در این حوزه تأکید کرد و گفت: به نظرم تولید فیلم و مستند از اتفاقات این روزها می‌تواند نقش مهمی در آگاهی‌بخشی و مقایله با تبلیغات دشمنان داشته باشد. خطی در بخش دیگری از صحبت‌هایش، درباره تجربه‌اش در جشنواره فیلم کوتاه تهران توضیحاتی داد و ابراز کرد: فیلم «شازده کوچولو» در جشنواره با عنوان «وعده صادق» مواجه و با نگاه‌های ایدئولوژیک منتقدان روبه‌رو شد. همان افراد امروز متوجه واقعیت شدند و دیگر نیاز به توضیح و اثبات ندارند. این کارگردان یادآور شد: امروز باید روایت‌های واقعی و مستند از جنایات رژیم اشغالگر و وضعیت منطقه را به تصویر کشید و فیلم‌سازان و هنرمندان نقش کلیدی در این مسیر دارند. امروز پوشش‌های زیادی در مورد جنگ و حمایت مردم از هم وجود دارد و این فعالیت‌ها نشان‌دهنده عشق و وفاداری مردم ایران به وطنشان است. او همچنین بر اهمیت رسانه در شکل‌دادن به تصویر و قدرت ایران در مقابل تلاش‌های رسانه‌ای دشمن اشاره کرد و گفت: نمونه‌ای از این نقش، حضور یک مجری زن ایرانی است که تبدیل به نماد قدرت و اقتدار شده است. قدرت رسانه و هنر می‌تواند در مقابل سانسور و تبلیغات دشمنان مؤثر باشد و باید از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی برای تولید محتوای سریع و جذاب بهره برد. خطی بیان کرد: از همکاران خودم و نخبگان در حوزه‌های مختلف می‌خواهم که در تولید مستند، کلیپ و محتوای تصویری خلاقانه همکاری کنند تا بتوانند روایت‌های واقعی و اثرگذار را در کمترین زمان ممکن به جهان منتقل کنند. این کارگردان در پایان، بر اهمیت فعالیت‌های خلاقانه و سریع در فضای مجازی و رسانه‌ای تأکید کرد و افزود: این اقدامات می‌توانند نقش مهمی در آگاهی‌بخشی و مقایله با تبلیغات منفی دشمنان ایفا کنند.

خبر

فراخوان پویش مردمی فیلم‌سازی «وطن به روایت من» توسط انجمن سینمای جوانان ایران منتشر شد

انجمن سینمای جوانان ایران فراخوان پویش مردمی فیلم‌سازی «وطن به روایت من» را منتشر کرد. به گزارش روابط‌عمومی انجمن سینمای جوانان ایران، بر اساس این فراخوان هنرمندان و کلیه افراد علاقه‌مند می‌توانند با تولید آثار در پنج قالب داستانی، مستند، تجربی، پویانمایی و هوش مصنوعی (AI) در این پویش شرکت کنند. آخرین مهلت ثبت‌نام و بارگذاری آثار تا ۱۵ تیر ۱۴۰۴ اعلام شده است.
محورهای پویش به شرح زیر است:

روایت یک روز در جنگ، ویژگی‌های متمایز جنگ کنونی، روایت خانواده در جنگ، آسیب‌های سالمندان در جنگ، روایت مهربانی‌ها در ایام جنگ، ظرفیت جنگ در ایجاد انسجام ملی، روایت همدلی مردم در زمان جنگ، مهروزی مشاغل خدماتی در جنگ، روایت‌های امیدآفرین در ایام جنگ، هویت تاریخی ایران در ناپ‌آوری در ایام جنگ، روایت‌های اقتباسی و اساطیری در دفاع از وطن، چالش‌های روانی جامعه در زمان جنگ، نقش‌معنویت در آرامش اجتماعی و امیدآفرینی، محافظت کودکان از آسیب‌های روانی جنگ، حماسه‌آفرینی ایرانیان در طول تاریخ در دفاع از وطن، روایت‌های جنگ‌های عصر تکنولوژی و ماهواره‌ای، آثار تولیدشده می‌بایست با مدت زمان زیر پنج دقیقه باشند و محدودیتی در تعداد آثار آراسالی و فرمت فیلم برای شرکت‌کنندگان وجود ندارد. به آثار برگزیده، پس از داوری جوایزی ارزنده تعلق خواهد گرفت ضمن آنکه ۱۲ فیلم برگزیده برای اکران در بخش ویژه چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران انتخاب خواهد شد. از علاقه‌مندان و فیلم‌سازان دعوت می‌شود برای کسب اطلاعات بیشتر به کانال انجمن سینمای جوانان در پیام‌رسان ایتا و بِلَه با شناسه @iysckhabar مراجعه کنند.



عمار خطی، تهیه‌کنان و شوق

گفت‌وگو با احمد طالبی نژاد درباره تصویر جنگ در سینمای ایران و جهان

جنگ برای فیلم‌سازان جنبه‌های دراماتیک و تراژیک زیادی دارد

بهناشیربانی

احمد طالبی‌نژاد، منتقد صاحب‌نام سینمای ایران، در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به تاریخ ساخت فیلم‌هایی که جنگ مضمون آنها بوده است، گفت: «از بدو پیدایش سینما در جهان، جنگ به عنوان یکی از مضامین طلایی سینما مورد استفاده قرار گرفته و یکی از قوی‌ترین ژانرها در جهان نیز همین ژانر جنگ است که همه با مختصاتاش آشنا هستیم. مقصودم نوعی از فیلم‌هاست که محتوای آن تضاد و تعارض و درگیری بین دو جبهه خودی و دشمن است و طبیعتا خودی «پروتاگونیست» یا قهرمان است و دشمن هم «آنتاگونیست» یا مخالف. بنابراین وقتی به تاریخ سینما نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که در همه جنگ‌هایی که درگرفته از جنگ بین دولت آمریکا با سرخ‌پوست‌ها یعنی جنگ‌های داخلی و در واقع همه جنگ‌های داخلی که در سراسر جهان انجام شده است تا جنگ جهانی اول و دوم و بعد، جنگ ویتنام و در زمان‌های اخیر جنگ آمریکا و عراق و افغانستان یا جنگ اسرائیل با کشورهای مثل لبنان و غزه و اکنون ایران که در جریانش هستیم و سایه سنگین آن را بالای سرمان حس می‌کنیم. واقعیت این است که برای فیلم‌سازان، این گونه خاص، جذابیت‌های خاص خودش را داشته و دارد، چراکه مسئله آلات و ابزار جنگی و به هر حال تحرکاتی که در جبهه‌ها صورت می‌گیرد وجود دارد. این موارد برای مخاطب جذاب است و اغلب تحت تأثیر این فضاها قرار می‌گیرند، کمابینکه دیدیم در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق در یک دورانی حداقل اوایل فیلم‌هایی که ساخته می‌شد غالباً

نشان می‌دادند، آنها را هم شکل دیگری نشان بدهند. در مجموع منبع جنگ به عنوان یک منبع طلایی یا مضمون طلایی برای فیلم‌سازان مورد استفاده بوده است. یکی از بهترین فیلم‌هایی که در مورد جنگ علیه عراق ساخته شده، فیلم «کنجه درد» ساخته کاترین بیکلو است که بسیار مورد توجه قرار گرفت و هنوز هم فیلم‌هایی در مورد جنگ ویتنام ساخته می‌شود که در این فیلم‌ها شاهد نگاه عمیق برخی فیلم‌سازان به مقوله جنگ به عنوان پدیده‌ای زشت و ضدبشری هستیم. در مورد جنگ عراق و افغانستان هم تعدادی فیلم ساخته شده که آن‌قدری که باید و شاید مطرح نشدند. اما نگاه‌های انسانی دارند و سازندگانشان نگاه‌های جالبی به مقوله جنگ داشتند و حتما در آینده هم خواهند داشت. در حال حاضر جنگی که بین ایران و اسرائیل درگرفته، جنگ کاملاً نابرابری است. باید پرسید بهانه شروع این جنگ چیست؟ اگر مقابله با قدرت اتمی ایران است که راهش این نیست. مذاکره در حال انجام بود و این جنگ ناگهانی که درگرفته جز یک تراژدی کاملاً ضدبشری جهان امروز هیچ اسم دیگری ندارد و نمی‌دائم عاقبتش چه می‌شود. سینمای ایران هم حتما در آینده روایت‌هایی از این جنگ خواهد داشت. اتفاقاً جنگ با پرشش‌های زیادی همراه است از جمله اینکه اصلا این جنگ چرا شروع شد و ادامه پیدا کرد که امیدوارم بیشتر از این ادامه پیدا نکند. این جنگ برای فیلم‌سازان جنبه‌های دراماتیک و تراژیک زیادی دارد.

یادداشتی بر نمایش «ریگور مورتیس»

بدن‌زدایی

کاسپار با بکت در مونولوگ‌های لاکی، اضطراب و مایلیخولیا را که از ماهیت شعر است، بیان می‌کند، زیرا ضرورتی ندارد یک بیمار هیستریک گزاره‌های منطقی بیان کند و داستان‌گو باشد، او باید یک وضعیت ذهنی را با بدنش بیان کند. مثل نمایش‌نامه سایکوسیس سارا کین که یک شعر بدن‌مند و یک مونودرام روان‌پریش است و اجرا باید به جای این گزاره‌های منطقی نثر به بدن‌مندی گرایش بیشتری داشته باشد. اکنون به فرایند اجرا توجه کنید:

۱- ژست‌های هیستریک دست سارا در هنگام به قتل رساندن آیدا

۲- سپس خوابیدن طاق‌بازِ سارا (سر به سوی تماشاگر و پاها به سوی انتهای سالن) و اجرای ژست هیستریک زایمان

۳- سپس نشستن سارا و حرکت دست چپ او به نشانه زاده‌شدن آیدا

در اینجا تدوین ژست در فرایند اجرا متن را می‌آفریند. اجرا باید به جای آن گزاره‌های منطقی نثر به این تدوین آیزنشتاین‌وار و نشانه‌شناسی کورنوگرافی می‌رفت، زیرا کورنوگرافی می‌تواند وضعیت هیستریک را تبیین کند گرچه کورنوگرافی کانگورو هم ایماژ سنجیده‌ای برای مادرانگی سارا است و کورنوگرافی که از نشانه‌شناسی می‌آید، می‌تواند وضعیت ذهنی کاراکتر را تبیین کند. نیازی نبود با آن گزاره‌های منطقی به علت چونی و چرایی مawقع از زبان کاراکتری برداریم که دچار آشوب بدنی است و نمی‌تواند برای دقیقه‌ای یک ژست بدنی را تداوم ببخشد و دچار پرش‌های هیستریک ذهنی و بدنی می‌شود. (ایده مونتاژ آیزنشتاین می‌تواند یاری‌رسان باشد. زیرا او نیز از سنت کارگردانی اکسپرسیونیسم می‌آید که به این سنت نیز خواهیم پرداخت). خوشبختانه بازیگر می‌تواند هم‌زمان بدن خود را با ژست و حرکت‌های مینی‌مال، به اثری تجسمی مانند ساز-د. گویا او آبرغروسک است و از سویی دیگر بی‌آنکه صدایش را نعره بزند با اجرای مینی‌مالیستی حرکات دست و آشک‌ریختن، درونیات کاراکتر را بیان کند. درحقیقت شاعرانگی بازیگر گاهی با ژست‌های اغراق‌آمیز (کورنوگرافی) و گاهی با نوسانات عاطفی درونی مانند لرزش دست در هم می‌آمیزد.

بازیگر با آنکه در وضعیت هیستریک است آگاهانه بی‌آنکه صدای خود را از حد متعارف بالاتر ببرد و عریده‌جو باشد، پیوسته تغییر لحن می‌دهد و پرش‌های ذهنی کاراکتر

را با ژست‌های بدنی اجرا می‌کند. به همین علت، این اجرای هیستریک شاعرانه، تماشاگر را بیهوده عصبانی نمی‌کند اما بازیگر نابلد، وضعیت هیستریک را با عریده اشتباه می‌گیرد. اتفاقاً زخم‌های هیستریک را باید بی‌نعره فریاد زد تا زخم عمیق‌تری بر جان تماشاگر نباشند.

نمایش ریگومورتیس یک کمدی سیاه اکسپرسیونیسم است. اجرا از آغاز می‌خواهد بازیگر زن را از تماشاگر دور کند. به همین علت، ما ابتدا ژست بازیگر را از پشت سر می‌بینیم. سپس چهره او را مشاهده می‌کنیم. این دوربودن، دیدن ژست است، نه دیدن کاراکتر، زیرا ما سارا را نمی‌شناسیم. سارا پیش از سخن‌گفتن یک ژست بدنی است، کاراکتر نیست؛ یک شیء است. کاراکتر با نامیدن و شناساندن زاده می‌شود و ما در آغاز سارا را نمی‌شناسیم و این شگرد کمدی اکسپرسیونیسم است، زیرا هویت انسانی باید با عنصر عمیق‌تری از تبدیل به مونودرام کند اما بازیگر، کمدی اکسپرسیونیسم پدید آید. عنصر بدن‌زدایی و بدن مردانه‌ای که سارا دارد و طراحی سلسله‌ای ژ ژست‌ها به این کمدی اکسپرسیونیسم باری می‌رساند، اما منطق گفتار سارا باید شاعرانه، چندپاره و منته شود و مانند بدن سارا تکه‌تکه شود، نه آنکه این بدن مجروح، ناگزیر باشد این گزاره‌های منطقی نثر را بیان کند. چنان‌که اکسپرسیونیسم با تلگرافی‌کردن کلام، خواهان انهدام زبان و عقلانیت نثر است. این تلگرافی‌شدن همان سنتی است که به بکت، هانتکه و سارا کین می‌رسد. از سویی دیگر اکسپرسیونیسم، بدن را نیز مانند شیء، تکه‌پاره می‌کند و کاش اجرای حاضر، از این میراث باشکوه می‌توانست بهره بیشتری ببرد.



نمایش بدن‌زدایی

منطقی را بیان کند. از مصائب خود و دخترش آیدا بگوید. اینجا این گزاره‌های منطقی با بدن منهدم سارا که دچار هیستری شده است هم کوک نیست، بدن از قواعد شعر (کورنوگرافی، حرکات مقطع و پرش‌دارا عصبی برخورددار است) اما ذهن به علت آنکه بازیگر باید مونولوگ بگوید؛ باید قواعد نثر و گزاره‌های منطقی را بیان کند که روایت کاراکتر از حوادث و معضلات او با برادرش‌غورهایش به بهانه حضور مخاطبی ذهنی برای تماشاگر بیان می‌شود. تا قواعد پلات نمایش‌نامه، این زن کیست؟ اینجا کجاست؟ چرا اینجا آمده؟ براساس قواعد ارسطویی درام تبیین شود. در حقیقت منطق نثر و گزاره‌های عقلانی و جملات سنجیده کاراکتر از فرم اجرا (شاعرانگی کورنوگرافی و شاعرانگی بیامری) مایلیخولیا) زن نرخواسته است، بلکه این گزاره‌ها به ضرورت منطق بیرونی قواعد ارسطویی نمایش‌نامه‌نویسی به اجرا دیده‌شدن تا این کورنوگرافی شاعرانه را تبدیل به مونودرام کند اما بازیگر، شاعر است؛ زیرا این گزاره‌های بیهوده نثر را با بدن‌مندی اجرا می‌کند. اگر شاعر نبود؛ نمی‌توانست میان هیستری کاراکتر (تغییر ژست‌های عصبی، خنده‌های ناگهانی) و گفتار (مونولوگ‌ها) این ضرب‌هنگ شاعرانه را ایجاد کند.

در حقیقت بازیگر توانمند می‌تواند ریتم و تمپوی درونی و هارمونی میان مونولوگ‌های نثر و ژست‌های شاعرانه اجرا را پدید آورد و اگر این توانمندی را نداشت، اجرا، فالش می‌شد و تماشاگر دچار آفت خندیدن می‌شد؛ خنده‌ای که در فرایند اجرا بی‌معناست اما به علت نویز اجرا این خنده اشتباه پدید می‌آمد اما اجرا باید به جای این گزاره‌های منطقی، متن را شاعرانه می‌کرد. چنان‌که هانتکه در

یادداشت

هنرایستاده

در برابر جنگ روانی دشمن

سیدامیر سیدزاده، تهیه‌کننده: سینما و کسانی که در عرصه سینما به‌عنوان هنرمند فعالیت می‌کنند، همیشه به‌عنوان آدم‌های شاخص و الگوهای شناخته‌شده در جامعه معرفی می‌شوند و تأثیر بسزایی در اتفاقات روزمره جامعه دارند. شرایط فعلی، شرایط روزمره حساسی است. دشمن صهیونیستی بدون هیچ زمینه قبلی، به تمامیت ارضی ما تجاوز می‌کند و در عین ناجوانمردی به مناطق مسکونی و افراد بی‌گناه جنگی را تحمیل می‌کند که شایسته هیچ انسانی نیست. در این میان، هنر و هنرمندان باید با به عرصه بگذارند و از آنجایی که سرمایه اجتماعی این مرز و بوم هستند، اجازه ندهند مردم مرعوب دشمن نشوند؛ به این خاطر که در این جنگ نابرابر، عده‌ای تحت تأثیر القاهای دشمن خارجی، مزدوری می‌کنند؛ همان کسانی که ما از آنها به‌عنوان نفوذی یاد می‌کنیم. بخش اعظمی از این صدمات و تلفاتی که در این ایام به ما وارد شده، بیشتر از طرف نفوذی‌ها بوده تا خود دشمن. به همین دلیل، هنرمندان باید به میدان بایانند و با معرفی این شخصیت‌ها و توضیح شرایط، به کاشخ التهاب و خنثی‌کردن جنگ روانی دشمن کمک کنند.

در این میان، به واسطه سال‌ها تلاش سینماگران برای فعالیت در عرصه دفاع مقدس، می‌بینیم که آثار زیادی در این حوزه ساخته شده است. شاید تماشای آثار به پرورش روحیه قهرمانی ما کمک کند. آنچه در این جنگ شاخص است، حق‌بودن ما و ناحق‌بودن دشمن ماست. ما خواسته منطقی به نام بحث هسته‌ای داریم و آنها در کمال وقاحت به خودشان حق اظهارنظر می‌دهند.

در چنین شرایطی، یکی از موارد مهم، آموزش نوع مواجهه با شرایط جنگی است که این امر با تماشای آثار خوب جنگی ممکن می‌شود. ما هشت سال جنگ دفاع مقدس را داشتیم و برای اینکه میدان را خالی نکنیم و یادمان باشد که در شرایط جنگی وظیفه ما چیست، به‌طور قطع می‌توانیم با دیدن فیلم‌های جنگی که در سینمای ایران ساخته شده است، خودمان را با شرایط جنگی موجود تطبیق دهیم تا بتوانیم در این شرایط از بحران عبور کنیم و فراموش نکنیم که به‌هیچ‌وجه نباید مرعوب جنگ روانی دشمن شویم.

تأثیرگذاری هنر

امری بدیهی است

ابرج راه، بازیگر: در هر نقطه و وضعیتی که هر یک از شهرهای ما با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، نوع مواجهه و استفاده از هنر متفاوت است. این تفاوت در مجموع هم وجود دارد. به این خاطر که باید ببینیم آیا در این شرایط می‌توان اثر جدیدی را روی صحنه برد؟ در چنین شرایطی این‌امر امکان‌پذیر نیست و باید از تجمع اجتناب کرد. در چنین شرایطی از طریق رسانه‌هایی مانند تلویزیون و رادیو این امکان بیشتر است؛ منتها هریک از این موارد به زمان خود نیاز دارد. حالا باید شرایط و نوشته است که اساس آن اجراست.

در این شرایط شاید نتوان دقیق بررسی کرد که چگونه می‌توان از هنر کمک گرفت؛ کمابینکه در همان زمان جنگ با عراق نیز به این خاطر که این اتفاق طولانی‌مدت نبود، زمانی هنر وارد این فضاها شد که فرصت مقتضی پیش آمد.

حتی اگر لازم شد برای کمک‌گرفتن از آثاری که از پیش تولید شده است، بد نیست سراغ آرشیهوا برویم. به هر حال در زمان جنگ، فیلم‌های مختلفی ساخته شد؛ حالا باید شرایط را بررسی‌کنند که کدام‌یک از آثار مناسب و تأثیرگذار است که در چنین شرایطی به آن پرداخته شود و طبیعتاً در مواقعی از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است.

اینکه چه آثاری را نمی‌توان اکنون مشخص کرد، اما اینکه هنر، سینما، تئاتر و ادبیات در این شرایط کمک‌رسان است، امری بدیهی به شمار می‌آید.